

## ساختار خانواده و نظام خویشاوندی ایلات و عشایر با تاکید بر

### ایل قشقایی فارس (نگرش مردم شناختی)

وحید رشیدوش<sup>۱</sup> - یعقوب شربتیان<sup>۲</sup>

#### چکیده:

ایلات و عشایر ساکن در ایران با بر خورداری از شیوه‌های کوچ نشینی و اقتصاد شبانی، ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منحصر بفردی را دارا است. اما با توجه به تغییراتی که بخصوص در حوزه ساختار خانواده در سال‌های اخیر در زندگی مردمان این مرز و بوم پدید آمده است ایلات و عشایر نیز با سرعتی که در طول تاریخ کمتر با آن روبرو بوده‌اند، در تغییر و تحول‌اند. هدف از این تحقیق نگرش مردم شناختی به ساختار خانواده و نظام خویشاوندی ایلات و عشایر با تاکید بر ایل قشقایی فارس و تغییر و تحولات پدید آمده در آن است. این پژوهش به لحاظ کاربرد از نوع بنیادین و به لحاظ ماهیت کیفی بوده و از منظر عمق، ژرفانگر است. رویکرد این تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های اسنادی همچنین مصاحبه و مشاهده استفاده شده و چارچوب این تحقیق را مکتب ساختی - کارکردی بخود اختصاص داده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است ایل قشقایی، در مرحله گذار از سبک زندگی سنتی به سبک زندگی نوین قرار دارند، و با برخورداری از دستاوردهای فناورانه دنیای مدرن، زندگی جدیدی را تجربه می‌کنند. بطور کلی

<sup>۱</sup> استادیار گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران [rashidvash@yahoo.com](mailto:rashidvash@yahoo.com)

<sup>۲</sup> استادیار گروه مردم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار،

ایران [dy\\_sharbatian@yahoo.com](mailto:dy_sharbatian@yahoo.com)

نسل فعلی ایل قشقایی، سبک زندگی متفاوتی نسبت به نسل اول و دوم انتخاب کرده اند؛ بگونه ای که ساختار فرهنگی-اجتماعی آنان بویژه در روابط و مناسبات اجتماعی و فرهنگی، شیوه پوششی و آرایشی، الگوی گذران اوقات فراغت و همچنین ساختار و نظام خانواده آنان در نسل سوم متفاوت از دو نسل دیگر است.

**کلید واژگان:** مردم‌شناختی، ایلات و عشایر، نظام خانواده و خویشاوندی، عشایر قشقایی، استان فارس

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۳، بهار ۱۴۰۱ سال اول)

## ۱) مقدمه و بیان موضوع

جامعه‌شناسی ایران سابقه‌ای طولانی در تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم دارد. از زمان‌های گذشته تاکنون بخشی از مردم در پهنه جغرافیایی ایران نوعی از زندگی را برگزیده‌اند که با استفاده از چراگاه-های طبیعی، به پرورش دام می‌پردازند و فعالیت عمده آنان دامداری است. جامعه‌شناسی ایران کشور در کنار جامعه شهری و روستایی جامعه‌شناسی را به وجود آورده است. اگر چه این جامعه با گذشت قرون، در اثر عوامل نژادناگون اهمیت خود را از دست داده است اما فرهنگ این مردم ایلپاتی در افکار و عقاید دو جامعه دیگر، هنوز باقیمانده و در این میان دانش مردم‌شناسی به عنوان علم مطالعه فرهنگ این حقیقت را آشکار ساخته است که تفاوت بین انسان‌ها مربوط به رنگ پوست و یا وضع ظاهری آنان نیست، بلکه آنچه آنان را از هم جدا می‌سازد همانا فرهنگ و از آن جمله نحوه امرار معاش و سازش آنها با محیط است و از آنجائی که زندگی کوچ‌نشینی یک نوع امرار معاش و بالطبع یک مسئله فرهنگی است بررسی و شناخت آن از نظر مردم‌شناسی امری ضروری است. جامعه‌شناسی ایران جامعه مستقلی است که علت وجودی آن اقتصاد غالب دامداری سنتی است. در جامعه‌شناسی ایران بخش اعظمی از آداب و رسوم، باورها و فرهنگ حول محور دام دور می‌زند. از این نظر فرهنگ عشایری با فرهنگ روستائی تفاوتی ساختی و ریشه‌ای دارد و در گذرگاه تاریخ هر یک راه جداگانه‌ای پیموده‌اند. امروزه در ایران، این اقوام همچنان به شیوه سنتی زندگی و امرار معاش و به انواع و اشکال متنوع کوچ می‌نمایند. اما بسیاری نیز ضمن حفظ عناصر غیر مادی فرهنگ عشایری، شیوه‌های سنتی را به طور کامل رها کرده و یکجانشین شده‌اند. شیوه قالب معیشت نزد این کوچندگان دامداری بر پایه دام سبک گوسفند و بز است. آنان با وجود جمعیت ناچیز، بیش از

۲۰ میلیون رأس دام سبک در اختیار دارند که بخش قابل توجهی از آن را به بازارهای گوشت عرضه می‌کنند (سازمان ایلات و عشایری-ashayer.ir). در حال حاضر در ایران نزدیک به ۱۰۰ ایل و ۶۰۰ طایفه مستقل زندگی می‌کنند که در تمامی استان‌های کشور پراکنده‌اند و با وجود روند نوسازی و گسترش شهرنشینی به ویژه در صدسال اخیر، بسیاری از آنان هنوز به شیوه سنتی نیاکان خود زندگی و معیشت می‌کنند (رستریو، ۱۳۸۷: ۱۷). بنابراین در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور و به منظور غلبه بر نابسامانی‌های اجتماعی و جمعیتی به ویژه در شهرهای بزرگ و همچنین استفاده از مزیت‌های اقتصادی که عشایر برای کل جامعه دارند ضروری است که آنان و فرهنگ این اقوام در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ شود و سیر تغییر و تحولات عشایر نیز مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد.

گفتنی است بیشترین جمعیت بیلاقی کوچندگان ایران به ترتیب در سه استان فارس، کرمان و آذربایجان غربی و بیشترین جمعیت قشلاقی به ترتیب در پنج استان فارس، خوزستان، آذربایجان غربی، کرمان و سیستان و بلوچستان قرار دارند (زنده دل، ۱۳۸۴: ۱۱۱). در استان فارس نیز یکی از بزرگترین ایلات ایران یعنی عشایر قشقایی زندگی می‌کنند که امروزه با تغییرات و تحولاتی روبرو است. تحول و دگرگونی‌های مادی و غیرمادی که مردم ایلایاتی با گذشت زمان تا حدودی خود را با آن سازگار ساخته‌اند و به تناسب این تغییر، نظام فرهنگی جدیدی ایجاد شده است. باید توجه داشت هدف از بررسی و مطالعه نظام خویشاوندی و ساختار خانواده در ایلات و عشایر بیشتر نظر بر ساخت و کارکرد نظام خویشاوندی و اهمیتی است که خانواده در جامعه عشایری دارد. در حقیقت خانواده زیر بنای اصلی جامعه ایلی اس و در سلسله مراتب تمرکز اجتماعی و روابط گروه‌های خویشاوندی

همخون علاوه بر حفظ نسل و ادامه بقای جامعه با زاد و ولد، کارکردهای تولدی اقتصادی خانواده بیشترین نقش را برعهده دارد زیرا خانواده به منزله نوعی جامعه کامل است که سایه ای بر فعالیت اقتصادی و فعالیتهای دیگر (مذهبی - اجتماعی) اعضا گسترده است. در جامعه عشایری سیستمهای خویشاوندی براساس سه نوع رابط (نسبی، سببی و آرمانی) قرار دارد. در این جامعه خویشاوندی تابع مجموعه ای از تعهدات و مسئولیتهای متقابل اخلاقی (فردی و اجتماعی) است که روابط اقتصادی اجتماعی و سیاسی و گاهی نظامی را در سرزمینی مشترک تحکیم می بخشد. در ساختار اجتماعی ایلات و عشایر ایران که بر اساس نظام و قاعده پدر تباری استوار است، عناوینی چون دودمون، تیره، اولاد، مال که هسته های اصلی تشکیل دهنده طایفه و ایل هستند، خویشاوندان حقیقی هم تبارند. حق بهره برداری از آب، زمین و مرتع غالباً منوط به عضویت در گروههای خویشاوندی نسبی، یعنی داشتن رابطه همخونی با اعضای گروه است و علیرغم اختلافات اجتماعی موجود بین آنها، در مقابل واحدهای عشایری دیگر واکنش مشترک نشان می دهند. از این رو در این نظام خانواده کوشش بر این است که حجم خانواده همیشه روبه افزایش باشد و از قطع نسل فرزندان ذکور سخت در هراسند، زیرا دوام و بقای خانواده و آتش خانه (اجاق) را تنها به واسطه ادامه نسل فرزندان ذکور می دانند بررسی زندگی کوچ نشینی نه تنها به ما فرصت می دهد که با نحوه سازش آنها با محیط و عوامل گوناگونی که در این مورد دخالت دارند پی ببریم بلکه به لحاظ اینکه کوچ نشینی مرحله ای از تکامل فرهنگ انسانی است بررسی آن در شناخت چگونگی روند این تکامل حائز اهمیت است و با وجود آنکه زندگی کوچ نشینی در این سرزمین سابقه ای بسیار کهن دارد و کوچ نشینان همیشه نقش مهم و ارزنده ای در تاریخ ایفا کرده

اند آن گونه که باید و شاید مورد بررسی قرار نگرفته اند شاید پراکندگی زیاد و زندگی مبتنی بر فرهنگ ایلی و عشایری کمتر مجالی را برای توجه به فرهنگ مکتوب و جمع آوری فرهنگ و ادبیات این قوم داده است و در قبال ادبیات و نوع فولکور و فرهنگ آنها تا حدودی کم توجهی شده است. براین اساس چنانچه این عناصر فرهنگی و تغییرات آنها ثبت و ضبط نگردند و به بوتله تحلیل کشیده نشوند، روزی خواهد رسید که قوم مورد نظر همراه با فرهنگ و جامعه سنتی اش در بستر زمان از یاد خواهد رفت و تاریخچه فرهنگی آن برای همیشه به دشت فراموشی سپرده خواهد شد. ضمن آنکه نتایج این نوع مطالعات درصد موفقیت هرگونه برنامه ریزی را به منظور توسعه فرهنگی، افزایش خواهد داد.

از این رو موضوع اصلی این پژوهش بررسی مردم شناختی ویژگی های نظام خانواده و خویشاوندی ایلات و عشایر بویژه ایل قشقایی فارس و تغییر و تحولات آن می باشد.

## ۲) سئوالات تحقیق

- از منظر مردم شناختی خانواده و نظام خویشاوندی ایلات و عشایر بویژه ایل قشقایی فارس چه تغییراتی را تجربه است؟
- نظام خانواده و خویشاوندی ایل قشقایی دارای چه ویژگی هایی است و تغییرات به عمل آمده در آن کدامند؟
- نظام سلسله مراتب قدرت در ایل قشقایی به چه صورتی می باشد؟

### ۳) ملاحظات نظری

چارچوب نظری این پژوهش را مکتب کارکردگرایی ساختاری بخود اختصاص داده است. مکتب کارکردگرایی ساختاری<sup>۳</sup> یکی از عمده‌ترین نظریه‌ها پس از شکل‌گیری جامعه‌شناسی است. این نظریه تمایز دهنده دوره کلاسیک جامعه‌شناسی با دوره مدرن است و به طور عمده از گرایش کلی به سوی تحلیل کارکردگرایانه در قرن ۱۹ نشأت می‌گیرد. کارکردگرایی ساختاری از رهیافتی بهره می‌برد که جامعه را شامل نظامی از اجزاء مختلف به هم پیوسته می‌داند که ساختارهای گوناگون را شکل می‌دهند و هر کدام کارکردی خاص در کل نظام دارند. کارکردگرایی ساختاری ریشه در آثار کنت، اسپنسر، دورکیم و تعلق آنها به ارگانیسیم، نیازهای اجتماعی، ساختارها و کارکردها دارد. در این مکتب کارکردگرایان ساختی برای اجزای نظام نقش مثبتی قایل اند. آنان اجزای نظام و نیز کل نظام را در یک حالت توازن در نظر می‌گیرند چنانکه دگرگونی در یک جزء به دگرگونی در جزء دیگر می‌انجامد. دگرگونی در یک جزء ممکن است چنان با دگرگونی در اجزای دیگر تعادل یابد که گویی هیچگونه تغییری در کل نظام پدید نیامده است. اما اگر این تعادل برقرار نشود سراسر نظام دگرگون می‌شود. تالکت پارسنز<sup>۴</sup> (۱۹۷۹-۱۹۰۲ م.) را می‌توان بانی مکتب ساختی-کارکردی در عصر معاصر به حساب آورد.

در این مکتب، کنش اشخاص و ساخت‌ها مورد توجه قرار گرفت و انگارش وفاق و تعادل در سطوح خرد و کلان نظام اجتماعی برجسته گردید. از این حیث، مبادلات ساختی دستاوردهای خرده نظام‌های اجتماعی به پویایی متوازن جامعه و بلکه تطور آن یاری

۳. Structural Functionalism

۴. Tarket Parsens

می‌رسانند. البته پارسونز در این نظریه‌ها به شدت تحت تأثیر دورکیم و ماکس وبر بود و بیشتر آثار آنها را در نظریه‌کنش بکار گرفته و ترکیب کرده است (۸۹: ۲۰۱۰، Gordon). طبق این نظریه تمامی ساختارهای اجتماعی، فرهنگی از مجموعه ساختارهای تشکیل شدند که با یکدیگر در ارتباط هستند. و براساس دیدگاه صاحب نظران این مکتب چنین به نظر می‌رسد که با تغییرات در یک ساختار، ساختارهای دیگر هم تغییر می‌کند. این موارد در مورد پژوهش حاضر قابل رویت می‌باشد. چرا که در ساختار فرهنگی و اجتماعی ایل قشقایی نیز تغییراتی رخ داده است. که اثرات این تغییرات در ساختار خانواده نیز مشهود است. از طرف دیگر تغییرات به عمل آمده در ساختار قشقایی نیز بر روی سایر ساختارهای این ایل تغییراتی را ایجاد نموده است.

#### ۴) روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ کاربرد از نوع بنیادین و به لحاظ ماهیت کیفی بوده و از منظر عمق، ژرفا می‌باشد. رویکرد این تحقیق توصیفی-تحلیلی است در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های اسنادی (کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات و اینترنت) همچنین مصاحبه عمیق و مشاهده استفاده شده است. مطالب گردآوری شده ابتدا با بررسی کتب و پژوهش‌های انجام گرفته در این موضوع و سپس با حضور در مکان تحقیق توسط محققان به صورت میدانی و با مصاحبه حضوری جمع‌آوری گردیده است. سپس متن‌ها بر اساس تم‌های موضوعی دسته‌بندی، نکات و موضوعات مرتبط استخراج و مقوله‌بندی شده است. در نهایت مطالب کلیدی و مفاهیم به دست آمده بر اساس چارچوب نظری مورد تجزیه و تحلیل مردم‌شناسی قرار گرفته است.



حوزه پژوهش این تحقیق را عشایر قشقایی تشکیل داده اند.

### ۵) ویژگی های جامعه مورد مطالعه

ایل قشقایی، یکی از بزرگترین ایلات ایران که در سواحل جنوبی استان فارس، استانهای بوشهر، خوزستان، چهار محال، اصفهان و ... پراکنده و حضور دارند. جمعیت ایل قشقایی در سال ۱۳۹۵ حدود ۹۵۹ هزار نفر تخمین زده شده است (سازمان ایلات و عشایری-ashayer.ir). درباره منشأ این ایل نظرات متفاوتی ارایه شده است. بعضی از صاحب نظران، قشقایی ها را از مغول هایی می دانند که در زمان سلطنت چنگیزخان از ترکستان مهاجرت کرده اند، و در زمان نادرشاه در فارس سکنی گزیده اند. و به احتمال قوی قشقایی ها دنباله قبیله ای قدیمی در ترکیه آسیایی (شرق ترکیه) به نام قبیله خلج هستند که در عراق عجم در جنوب ساوه سکونت داشته اند می باشند که بخشی از این ایل بزرگ به قسمت های مختلف تقسیم و در منطقه فارس پخش شده اند. (دومورینی، ۱۳۷۵: ۲۷).

جد بزرگ قشقایی ها را «امیرقازی شاهلو قشقایی» می دانند و می گویند که نامبرده جمعی از ترکان قشقایی را به دور خود جمع نموده بر آنان ریاست کرد، فرزندزاده امیر قازی «جانی آقا قشقایی» نام داشت که از صاحب منصبان دربار شاه عباس محسوب می شد. پشت چهارم جانی آقا مجددا جانی آقا معروف بود که در اینجا جانی آقایی دوم نامیده می شود که در واقع او را بنیانگذار واقعی ایل قشقایی می دانند (صفی نژاد، ۱۳۷۵؛ ۶۰).

از لحاظ زبانی می توان گفت که زبان قشقایی ها ترکی آمیخته به فارسی است و همه آنان فارسی را به خوبی می دانند و با آن به آسانی

---

۵ . در جنوب ساوه به طرف سلطان آباد (اراک کنونی) منطقه ای است که هنوز هم خلجستان نامیده می شود.

سخن می گویند. البته یکی از شاخه های ایل قشقایی به نام قلیچ به گویش ترکی متفاوتی سخن می گویند (شربتیان، ۱۳۹۳؛ ۱۳۶). همه مردم قشقایی مسلمان و دارای مذهب شیعه اثنی عشری هستند (افشار سیستانی، ۱۳۶۶؛ ۶۳۶)

## ۶) قشلاق، بیلاق و کوچ

بیلاقات ایل قشقائی در دامنه شمالی کوههای زاگرس در امتداد شمال غربی به جنوب شرقی قرار دارد. این قلمرو از شمالی ترین منطقه کامفیروز (از نواحی طولیله بند و گرمه) شروع شده و با عرض متفاوت از ۳۰ تا ۹۰ کیلومتر در دامنه شمالی کوههای دنا (حداصل بین استان کهگیلویه و بویراحمد، فارس و اصفهان) تا منطقه بروجن امتداد می یابد. ایل قشقائی در دامنه جنوبی رشته کوههای زاگرس قرار دارد که گاهی نیز از این کوهها فاصله زیادی می گیرد و به سوی دشت های کم ارتفاع ساحلی و تا زمین های دشتستان در استان بوشهر و استان هرمزگان امتداد می یابد. معمولا مسیر کوچ و ایل راهها از مناطق کوهستانی و ارتفاعات عبور می کند که با مشکلاتی نیز همراه است.

بلندترین فاصله بیلاق تا قشلاق برای طایفه دره شوری قشقایی ۶۷۱ کیلومتر است که این مسافت معمولا در مدت ۴۰ روز طی می شود. ولی هر طایفه ای چه در قلمرو بیلاقی و چه در قلمرو قشلاقی مکان جغرافیایی مشخصی دارد (زنده دل، ۱۳۷۹: ۴۸).

## ۷) ساختار اجتماعی ایل قشقایی

### - طوایف و ایلات

ایل قشقایی دارای شش طایفه بزرگ است که هر یک از طوایف مذکور چندین تیره دارند. تیره ها به علت زندگی در مجاورت یکدیگر با هم متحد شده و طایفه را به وجود می آورند. تیره یک اجتماع فرضی است که از جمع چند «بنکو» تشکیل می گردد. بنکوها از اجتماع چند

سیاه‌چادر در منطقه محدودی بنام «یورت» که در داخل قلمرو مراتع مستقر می‌شوند، شکل می‌گیرند و با اصطلاحات «آبه»، «بولوک» یا «ایشوم» هم‌معنی هستند. ساختمان ایلی در قشقایی عبارتند از: ایل، طایفه، تیره، بنکو و خانوار.  
طوایف قشقایی عبارتند از:

#### - طایفه درّه شوری

نام درّه شوری از نام محل بیلاقی آنها «درّه شور» گفته شده است. اینان پس از ورود به فارس در این ناحیه سکونت کرده‌اند. درّه شور از محل «سمیرم» امروزه جزء مراکز بیلاقی این طایفه است. طایفه درّه شوری یکی از طوایف پرجمعیت ایل قشقایی است و مردم آن به داشتن و پرورش اسب معروف هستند. این عقیده وجود دارد که طایفه دره شوری در زمان کریم خان زند به کنفدراسیون قبیله ای قشقایی ملحق شده است (۱۹۸۶: beck).

#### - طایفه فارسی‌مدان

طایفه فارسی‌مدان از قدیمی‌ترین طایفه‌های ایل قشقایی است که قبل از دیگر طوایف ترک زبان به فارس آمده‌اند و چون فارسی نمی‌دانستند، واژه «فارسی‌مدان» به آنان اطلاق گردیده است. (نیک‌خلق و نوری، ۱۳۹۲) این طایفه در اواخر قرن شانزدهم در فارس مستقر شد، زیرا معروف است که در سال ۱۵۹۰ میلادی رهبر آنها، ابوالقاسم بیگ و برخی از پیروانش به دلیل قیام علیه شاه عباس مجازات شدند. این طایفه قبل از حرکت به جنوب فارس، در منطقه ای بنام خلجستان در جنوب غربی تهران سکونت داشتند. (Oberling: ۲۰۱۵)

#### - طایفه شش بلوکی

شش بلوکی‌ها اغلب از تیره‌های بسیار قدیمی و از همان ترکان عراقی یعنی مهاجران اولیه هستند. این طایفه از پرجمعیت‌ترین طوایف قشقائی است که در پرورش و نگهداری دام مهارت فراوان دارند.

#### - طایفه عمله

طایفه عمله جزء نیروی محافظ خان و عوامل اجرائی و اداری او بشمار می‌رود و مستقیماً تحت نظر خان اداره می‌شود. تیره‌های مختلف طایفه عمله تحت سرپرستی کدخدائی است که مستقیماً از خان دستور می‌گیرد. با وجود این پاره‌ای از تیره‌های بزرگ تحت سرپرستی کلانترها هستند که پایگاه آنها از کلانترهای سایر تیره‌ها پائین‌تر نیست. (نیک‌خلق و نوری، ۱۳۹۲)

#### - طایفه کشکولی بزرگ و طایفه کشکولی کوچک

طایفه «کشکولی» احتمالاً از اقوام ترک بوده و پس از سقوط سلسله زندیه در اواخر قرن هجدهم گروه‌هایی از کردها و لرها را به خود جذب کرده‌است. ریشه خانواده‌های حاکم بر این طایفه (کلانتر) این طایفه به زندیه بر می‌گردد. در سال‌های قبل از جنگ جهانی اول کلانتران و خوانین طایفه کشکولی از دولت انگلستان حمایت کردند و پس از جنگ جهانی اول، صولت الدوله کشکولی‌ها را تنبیه کرد. او کلانتران کشکولی را که به مخالفت با او برخاسته بودند عزل کرد و قدرت طایفه کشکولی را تنزل داد. از این پس دو گروه را از طایفه کشکولی جدا کرد و به آنها هویت طایفه‌های مستقل داد. این دو گروه «قراچه‌ای» و طایفه کشکولی کوچک نام گرفتند. باقی‌مانده طایفه کشکولی، تحت نام طایفه کشکولی بزرگ خوانده می‌شوند (Oberling: ۱۹۹۹).

## ۸) ساختار فرهنگی قشقایی

قومیت، زبان و مذهب: برخی از محققین معتقدند مردم ایل مزبور از آسیای صغیر آمده‌اند و عده‌ای می‌گویند که مستقیماً از سوی ترکستان به ایران مهاجرت نموده‌اند. بعضی نیز بر این عقیده‌اند که قشقاییان در زمان چنگیز در توران ساکن بوده‌اند، بعدها نادرشاه افشار آنان را به ایران آورده، ابتدا در خلیجستان ساوه ساکن شده و بعد عده زیادی به فارس کوچ کرده‌اند. با این حال می‌توان گفت که مردم این ایل سفیدپوست و دارای خصایص نژاد آریا هستند و نباید آنان را از نژاد مغول یا ترک زردپوست دانست و ترکی بودن زبان ایشان دلیل بر ترک بودن این ایل نیست. به هر حال مردم قشقایی از هر جایی که آمده باشند. پس از ورود به سرزمین فارس و اختلاط با ساکنان آنجا، نژاد آنان ایرانی و از اهالی این کشور به شمار می‌آیند. همه مردم قشقایی مسلمان و پیرو مذهب شیعه اثنی‌عشری هستند (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۶۳۶). قشقایی‌ها به زبانی از شاخه جنوب غربی ترکی (ترکی اغوز) صحبت می‌کنند، این زبان غیر از فارس در همدان نیز رواج دارد. "کوالسکی" این زبان را نزدیک‌ترین گویش به ترکی آذربایجانی دانسته‌است. این موضوع به شکل‌های مختلف توسط "آنه ماری ون‌گابن" و "گرهارد دوئرفر" نیز بیان شده‌است، اما "کی.اچ. منگز" این زبان را بیشتر به ترکی عثمانی شبیه می‌داند. در واژگان قشقایی تأثیر زبان فارسی و عربی مشخص است. واژگان حکومتی، نظامی و پزشکی تحت تأثیر فارسی‌اند و موضوعات دینی تحت تأثیر عربی قرار گرفته‌اند (Knüppel : ۲۰۰۹).

## ۹) موسیقی و رقص ایلی

موسیقی قشقایی برخلاف موسیقی سنتی ایران برپایه ردیف نیست. این موسیقی از طبیعت و سرنوشت قشقایی‌ها الهام می‌گیرد،

گاهی محزون است، گاهی پرشور است و گاه حماسی. (بهمن بیگی: ۱۳۹۴) موسیقی قشقایی به گروه‌هایی از قبیل موسیقی عاشیق‌ها، موسیقی چنگی‌ها و موسیقی ساربان‌ها (دارغاها) تقسیم می‌شود (گرگین‌پور: ۱۳۷۴). که در این میان موسیقی عاشیقی از جایگاه والایی برخوردار است. سازی که عاشیق قشقایی می‌نوازد شبیه سه تار اما بزرگتر از آن و دارای ۹ سیم است که آن را با مضراب می‌نوازند. در دهه‌های اخیر کاربرد کمانچه و دیگر آلات موسیقی نیز جایگاهی در میان موسیقی قشقایی پیدا نموده که عمدتاً توسط جوانان ایل مورد استفاده قرار می‌گیرند. از مقام‌های معروف موسیقی عاشیقی می‌توان از سحر آوازی، جنگ‌نامه، محمدطاهربیک، معصوم، مصمام، کوراوغلو، محمود و صنم، یاش خسرو، هلیله خسرو، بیستون، حیدری، گرایلی، کرمی و ... نام برد که برخی از آنها همراه با داستانی که عمدتاً مایه مهر و محبت و دلدادگی دارند، خوانده می‌شود. حسن زنده‌دل (۱۳۷۹: ۵۰) در مورد رقص‌های محلی قشقایی می‌نویسد: رقص‌های محلی قشقایی‌ها عمدتاً به صورت گروهی اجرا می‌شوند. در این میان «رقص چوب» به لحاظ شیوه اجرا و حرکات ریتمیک و موزون اجرا کنندگان آن، از جذابیت خاصی برخوردار است. بویژه آن که این نوع رقص با آهنگ «جنگ‌نامه» توأم است و در مراسم جشن و سرور قشقایی‌ها اجرا می‌شود. معروفترین رقص مخصوص زنان در ایل قشقایی «رقص هلی» است که به صورت گروهی اجرا می‌شود. این رقص با ریتمی کند شروع شده و بتدریج بر سرعت آن افزوده می‌گردد. هر قسمت از آهنگ این نوع رقص نام مخصوص دارد.

#### ۱۰) آداب و رسوم و باورها قشقایی‌ها:

در ایل قشقایی بر طبق سنت گذشته نذر و نیاز، دعا و دخیل بستن بسیار دیده می‌شود. اما در میان جوانان تحصیل کرده و امروزی این

مسائل تا حدی فراموش شده است. به چند نمونه از اینگونه باور ها اشاره می شود:

#### - دخیل بستن:

در مسیر حرکت ایل قشقایی امامزاده‌هایی دیده می‌شوند که در سقف گنبد مانند آن، زنجیری آویزان و نوک آن قلاب دارد افراد حاجتمند که معمولا زنان و دختران می‌باشند، نیت کرده، دستمالی را سه بار به طرف قلاب پرت می‌نمایند، چنانچه به قلاب گیر کرد و بر زمین نیفتاد، حاجت وی برآورده خواهد شد و دستمال برای متولی امامزاده می‌ماند و اگر حاجتش برآورده شود، پول یا هدیه‌ای دیگر به امامزاده تقدیم می‌کند و اگر در طی سال خواسته وی انجام نگرفت، گناه را به گردن امامزاده نمی‌اندازد بلکه می‌گوید «مشیت الهی چنین بوده است».

#### - پیر لک‌لک:

در مسیر کوچ ایل، گاهی در دامنه‌ها و گردنه‌های کوهستان‌ها عشایر درختی را مظهر تقدس انتخاب کرده و هنگام عبور از کنار آن هر کس حاجتی دارد، تکه پارچه روی آن انداخته و از خداوند می‌خواهد که نیت و خواسته وی را برآورده سازد. گرچه این درخت با سایر درختان تفاوتی ندارد. اما پس از مدتی آنقدر تکه‌های رنگارنگ پارچه روی آن می‌ریزند که آثاری از شاخ و برگ آن پیدا نیست. جالب اینجاست که اگر پارچه ای در دسترس نباشد از لباس‌های مندرس و پاره‌پاره خود تکه‌ای را جدا کرده و برای ادای نذر خود تقدیم می‌کنند، با وجودی که پس از مدتی این پارچه‌ها از بین رفته یا آنها را باد می‌برد، اما دو سه ماهی بیشتر طول نمی‌کشد، مجددا ایل از همین مسیر برگشته و باز باقیمانده تکه‌های لباس خود را بر درخت می‌ریزند<sup>۱</sup>.

## - کاکل گذاشتن:

کاکل یعنی وجود یک دسته موی وسط سر، وقتی که همه جای سر را تراشیده باشند. بعضی از زنان ایل، با خدای خود پیمان می‌بندند که اگر فرزندشان از بیماری نجات پیدا کند پس از بهبودی، یکی دو سال کاکل گذاشته و به عنوان نوکر حضرت عباس (ع) محسوب شود. این عشایر معتقدند که در گذشته سادات دارای کاکل بوده و داشتن این موها ثواب دارد.

نذورات نقدی به امامزاده‌ها: گروهی از عشایر هنگام بیماری دخترشان نذر می‌کنند که «خدایا بچه را از بیماری نجات بده نصف یا یک چهارم باشلق یا شیربهای آن را نذر فلان امامزاده می‌کنم...». بعدها وقتی دختر بچه شفا یابد و سالها بعد شوهر کند، از مبلغ پولی که گرفته‌اند، طبق قولی که داده‌اند، عمل می‌کنند. (کیانی، ۱۳۷۶)

## ۱۱) ساختار خانواده و خویشاوندی عشایری

خانواده در جامعه عشایری ایران مرکب است از مرد و زن و تعدادی فرزندان که براساس یک سلسله روابط و مناسبات عاطفی اجتماعی و اقتصادی (مادی و معنوی) در سکونتگاه مشترکی کنار هم زندگی می‌کنند و معاش خود را از طریق فعالیت اقتصادی مشترک تحت سرپرستی رئیس خانواده تامین می‌کنند. در جامعه عشایری ایران خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است و هسته اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد. وجود خانواده در موجودیت بقا و ادامه حیات جامعه ایلی اهمیت اساسی دارد. روح‌الامینی در کتاب "گرد شهر با چراغ"، خانواده را آنگونه که موضوع مطالعه مردم‌شناسی است عبارت از: "مجموعه‌ای از افراد که در فضای مشترک زندگی می‌کنند" تعریف نموده و سه خصوصیت برای آن در نظر می‌گیرد:



۱- روابط جنسی و زاد و ولد که باعث تداوم و بقاء حیات جامعه است؛

۲- اقتصاد مشترک و وابستگی افراد به درآمد خانواده؛

۳- کانونی برای پرورش فرزندان و تربیت فرهنگی و گاه آموزش شغلی کودکان (روح الامینی، ۱۳۹۱؛ ۱۳۹).

نهاد خانواده در نزد ایل قشقایی نیز، اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و هسته‌ی اصلی جامعه ایلی را تشکیل می‌دهد که در بقاء و ادامه‌ی حیات این جامعه اهمیت و نقش بسزایی دارد. در میان این اقوام، خانواده، به ظاهر مستقل است ولی تحت تسلط واحد وسیع‌تری مانند بنکو، تیره، طایفه و غیره قرار دارد. افزون بر این، آداب و رسوم در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده وجود دارد که این آداب و رسوم و فرهنگ ایل، ارتباطی تنگاتنگ با نظام خانوادگی آنها دارد. در جامعه عشایری سیستم‌های خویشاوندی براساس سه نوع رابطه (نسبی، سببی و آرمانی) قرار دارد. در این جامعه خویشاوندی، تابع مجموعه‌ای از تعهدات و مسئولیت‌های متقابل اخلاقی (فردی - جمعی) است که روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و گاهی نظامی را در سرزمینی مشترک تحکیم می‌بخشد.

## ۱۲) خویشاوندی نسبی

خویشاوندی نسبی به چند صورت شکل می‌گیرد:

### - پدرتباری:

در اصطلاح جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، مجموعه افرادی که دارای نیای مشترک حقیقی‌اند پدرتبار نامیده می‌شوند پدرتباری عبارت است از رسم و قاعده‌ای که براساس آن فرد موقعیت اجتماعی خود را از پدر به ارث می‌برد، و به گروه خویشاوندی پدری که به آن خویشاوندی نسبی نیز گفته می‌شود وابسته است. این شکل از

خویشاوندی از نوع خانواده گسترده است که از پدر و پسران و دختران و فرزندان پسری تشکیل می‌گردد و فرزندان بنام پدر نامیده می‌شوند (پدر نامی) در این سیستم اقتدار پدر بزرگ چند نسل را در برمی‌گیرد و اقتدار او مهمتر از اقتدار پدر است.

### - مادرتباری:

سیستمی که فرد از لحاظ موقعیت اجتماعی و خویشاوندی به خانواده مادر وابسته است، مادرتباری نامیده می‌شود، که تشکیل شده از مادر، پسران و دختران و فرزندان دختر. در این سیستم فرزندان بنام مادر نامیده می‌شوند (مادر نامی) و تبار کودکان از راه نسب مادر تعقیب می‌شود. در خویشاوندی مادرتباری اگر پدر در خانه برادرزن (دائی) سکونت گزیند آن را مادربومی نامند، زیرا در واقع در خانه زن به سر می‌برد با این فرق که فرزندان بنام مادر نامیده می‌شوند و پدر وضعی بیگانه دارد؛ در این نوع خویشاوندی شکل دیگری نیز مشاهده شده یعنی زن بعد از ازدواج به خانه شوهر می‌رود اما فرزندان بنام او نامیده می‌شوند و متعلق به خانواده مادراند نه پدر و آن را "پدربومی" می‌نامند.

### - خویشاوندی سببی

قاعده ای که ناشی از ازدواج با غیر خویشاوند است و در جامعه عشایری اهمیت ویژه ای دارد، زیرا این نوع خویشاوندی از یک سو سبب تحکیم موقعیت ایل و از طرف دیگر زمینه ساز رفع دشمنی‌های دیرینه است. اصطلاحاتی از قبیل «خون بس» (ازدواج اجباری دختران دو طایفه غیر خویشاوند با پسران طایفه دیگر)، «گاو، گاو» (ازدواج مبادله ای یعنی دختری در مقابل دختری از خانواده دیگر) و ... همچنین ازدواج‌های مصلحتی رؤسای طوایف غیر خویشاوند همگی حکایتی است از وجود خویشاوندی نسبی در جامعه عشایری.

در یک تقسیم‌بندی، انواع خانواده‌های عشایری را در ایران به پنج دسته به قرار زیر می‌توان تقسیم کرد:

هسته‌ای یا ساده، چند همسری، گسترده، پیوسته و ناقص بطور کلی خانواده هسته‌ای شامل شوهر، همسر، فرزندان و احتمالاً افراد دیگر (مجرد، بیوه، مطلقه) می‌باشد. در این نوع خانواده شوهر و همسر هسته مرکزی خانواده را تشکیل می‌دهند. خانواده هسته‌ای از نظر ترکیبات شامل گونه‌های مختلف است که عبارتند از:

فقط شوهر و همسر؛

شوهر، همسر و فرزندان؛

شوهر، همسر و دیگران؛

شوهر، همسر، فرزندان و دیگران.

خانواده چند همسری؛

خانواده چند همسری تشکیل شده است از شوهر با همسران و فرزندان آنها. پیدایش این نوع خانواده به این صورت است که شوهر بخاطر نازائی همسر اول و یا به این امید که صاحب اولاد ذکور شود ازدواج با همسر دوم مبادرت می‌ورزد. (امان‌اللهی، ۱۳۸۸: ۹۸) در این نوع خانواده صرفنظر از محل سکونت همسران (با هم و یا بطور جداگانه) خانواده به صورت یک واحد فعالیت می‌کند.

خانواده گسترده در میان دو قشر متوسط و خوانین جامعه ایللی دیده می‌شود. در میان قشر متوسط خانواده گسترده دام زیادی ندارد زیرا بر اثر شرایط خاص اقتصادی پسران پس از ازدواج از خانواده و چادرپداری جدا می‌شوند. با وجود این، گاه برحسب عوامل خاص اجتماعی - اقتصادی خانواده گسترده تا مدتی به حیات خود ادامه می‌دهد. این عوامل عبارتند از:

- کمی تعداد دام خانواده که تقسیم آن از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست؛
- نداشتن امکانات مالی خانواده برای تهیه چادر جداگانه و ایجاد محل سکونت مجزا؛
- مرگ رئیس خانواده که سبب می‌شود فرزندان تا تقسیم ارث با هم باشند؛
- پائین بودن سن عروس که تا مدتی تحت حمایت خانواده گسترده بشر می‌برد؛
- تیار خانواده به نیروی کار زن (عروس) که از خارج وارد خانواده می‌شود. (نیک خلق و نوری: ۱۳۹۲؛ ۱۲۱)
- گفتنی است خانواده گسترده از انواع خانواده پدرسالار است که از طریق ازدواج اعضاء جوان خانواده و پیوندهای سببی بوجود می‌آید از این جهت این نوع خانواده شامل چند گروه خونی، گروه زناشویی و چند گروه فرزندپذیر می‌باشد (بارث، ۱۳۴۴؛ ۱۹۸).

### ۱۳) خانواده پیوسته:

این نوع خانواده که به ندرت در ایلات و عشایر مشاهده می‌شود، از دو خانواده هسته‌ای غالباً دو برادر تشکیل می‌گردد که شامل شوهران، همسران و فرزندان دو خانواده است، در این خانواده تقسیم کار در محدوده وظایف فردی و همه اعضا نسبت به هم تعهدات اخلاقی دارند. (طیبی، ۱۳۷۱: ۲۰۲)

### ۱۴) خانواده ناقص:

در این نوع خانواده شوهر یا زن به علت طلاق یا مرگ از هم جدا گشته‌اند. آنچه از یک خانواده پس از این رویداد بر جای می‌ماند یک خانواده ناقص خوانده می‌شود.

در ایلات ایران اشکال گوناگون خانواده، از خانواده هسته‌ای ساده و مرکب گرفته تا خانواده گسترده و گسسته یا ناقص وجود دارد. مثلاً در ایل باصری و گروه‌های ایلی جنوب ایران، خانواده کوچک و بیشتر هسته‌ای بود در میان این طوایف مردان پس از ازدواج، سهم دام خود را از پدر می‌گرفتند و خانواده مستقلی تشکیل می‌دادند. در صورتی که در میان ترکمن‌ها و شاهسون‌ها، خانواده بزرگ و گسترده بود و مردان پس از ازدواج تا زمانی که برای کار مستقل در جامعه ایلی آمادگی نمی‌یافتند، از خانواده و چادر پدر جدا نمی‌شدند. در حال حاضر در ایل قسقای هر دو نوع خانواده هسته‌ای و گسترده دیده می‌شود ولی اکثریت با خانواده گسترده است که ناشی از زندگی نسل‌های متوالی در کنار هم بوده است نه حاصل تعدد زوجات. (کیانی: ۱۳۷۶؛ ۵۷)

### ۱۵) نظام سلسله مراتب قدرت در ایل و خانواده

مبانی سیاسی معیشت ایلات و عشایر کوچنده، صرفنظر از برخی تفاوت‌ها مبتنی بر نظام سلسله مراتبی است که به آن سلسله مراتب منقطع<sup>۶</sup> نیز می‌توان گفت. این نظام مبتنی بر قواعد پدرسالاری و برتری سران ایل و طایفه است که در رده‌های پایین ساخت قدرت، به ریش‌سفیدی ختم می‌گردد، که از اقتدار<sup>۷</sup> کمتری برخوردار است. مراتب شیخوخت و ریش‌سفیدی به منظور اداره و اعمال نظر بر یک یا چند خانوار انجام می‌شود و مجموعه قدرت ریش‌سفیدان خانوارهای متشکل تحت عناوین اوبه، مال، هلک، خیل، تخماره و ... یا واحدهای اجتماعی پایه، به ریش‌سفید طبقه بالاتر تفویض و اقتدار می‌گردد که مجموعه قدرت‌های آن طبقه نیز به طبقات بالاتر منتقل می‌شود. در

<sup>۷</sup> Hierarchy

<sup>۶</sup> Authority

نهایت سلسله مراتب قدرت به سران ایل و یا بزرگ قبیله ختم می‌شود (بخشنده نصرت، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

در میان عشایر قشقایی، مرد دارای اقتدار و تصمیم‌گیرنده نهایی است و زن نیز در عین تابعیت، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت امور خانواده دارد. به نقل از امان‌الهی بهاروند (۱۳۶۰) در ایل چه پسر و چه دختر در خانه پدر، حدود اختیاراتشان محدود است و استقلال فکری و عملی کم دارند. اما با تشکیل خانواده، پایگاه جدید برای آنها استقلال بوجود می‌آورد. در میان عشایر قشقایی زنان، پدر سالاری را اساسی‌ترین سازمان‌جامعه خود می‌دانند و در عین تابعیت از شوهر، نقش کلیدی در امور خانواده دارند. به نقل از ایوانف: "هیچ کجا در کشورهای مسلمان، زنان به قدر قشقایی‌ها در خانواده و در زندگی طایفه چنین موقعیت مهم و معتبری ندارند" (ایوانف، ۱۳۸۵: ۱۳۲).

#### ۱۶) اقتصاد خانواده عشایری

خانواده عشایری مانند خانواده روستائی دارای کارکرد اقتصادی است و از این حیث با خانواده شهری که عمدتاً بدون کارکرد اقتصادی است و به عنوان یک واحد اجتماعی مصرف‌کننده مطرح می‌شود کاملاً فرق دارد. در خانواده عشایری همه اعضا از مرد و زن و کودک براساس تقسیم کار در تولید خانگی فعالیت دارند و هر کس به سهم خود و به اندازه توانائی‌اش وظیفه‌ای را برعهده دارد و نیازمندی‌هایش از طریق خانواده برآورده می‌شود. هر چند پاره‌ای از عوامل عاطفی و علاقه‌های اساسی و احساس مسئولیت‌های جمعی در دفاع از حیات خانوادگی به ویژه عصبیت خانوادگی در شکل خانواده و ایجاد ارتباط پیوند میان اعضا آن نقش مهمی برعهده دارد و با وجود این شاید بتوان گفت که در بین رشته‌های نگهدارنده خانواده اشتراک در مال و ثروت و کار اقتصادی مشترک را بیش از همه موثر دانست

زیرا پس از تقسیم ثروت و جدائی کار اقتصادی است که هسته جدید (خانواده زن و شوهری تازه) سفره خود را جدا کرده خانواده تازه ای بوجود می‌آورند و در چادر جداگانه زندگی جدید را آغاز می‌کند. اعضای خانواده تا زمانی که در یک چادر به سر می‌برند. هیچ کدام به تنهایی برای خود کار نمی‌کنند بلکه هر کسی انجام قسمتی از کار اقتصادی واحد خانواده را به عهده دارد و ثمره کارش را به خانواده باز می‌گرداند و بدین ترتیب دارای درآمد و ثروت مستقلی نیست. دفاع از ثروت، حیثیت، موقعیت و اموال و افراد خانواده به عهده افراد است و چنین احساس مسئولیت (عصبیت خانوادگی) با قدرت بر اعضای خانواده مسلط است و اعضاء مجبور به پیروی از آنهاند. در بین قشقای ها هم، مانند سایر ایلات، بیشتر زحمات بر دوش زنان است، زنان یک ساعت پیش از طلوع آفتاب بیدار و تا پاسی از شب مشغول کار هستند. این در حالی است که مردان دور از هم نشسته اند و از هر دری سخن می‌گویند و قلیان می‌کشند. البته عدم فعالیت مردان هم هر از گاهی با فعالیت‌های خشنی مانند شکار یا تعقیب سارقین جبران می‌شود (ابرلینگ، ۱۳۸۳؛ ۸۴).

### ۱۷) زناشویی و ازدواج

با توجه به انواع ازدواج که به درون گروهی و برون گروهی تقسیم می‌گردد. در گذشته بیشتر عشایر تمایل به ازدواج درون گروهی داشتند و با افراد خارج از ایل و طایفه ازدواج نمی‌کردند. اما اکنون بر اثر تغییراتی که در ساختار اجتماعی اقتصادی و نیز به لحاظ به هم خوردن نظام منسجم ایلی بوجود آمده ازدواج برون گروهی هم انجام می‌شود. ازدواج در میان ایلات برای تداوم بخشیدن به بقای نسل اهمیت بسزایی دارد و مجرد ماندن امری زشت به شمار می‌رود از آنجائی که در نظام عشایری شیوه تولید به میزان زیادی بر نیروی

انسانی متکی است داشتن اولاد بیشتر به خصوص پسر در بین عشایر افتخاری بزرگ بوده و پدری که دارای فرزند بیشتر باشد از وضعیت مادی بهتری برخوردار است چون فرزندان در کارهای مختلف از جمله نگهداری گوسفندان به پدر کمک می‌کنند گرچه امروزه به دلیل برهم خوردن معیارهای گذشته ایلی، داشتن تعداد زیاد پسر، در یک خانواده اهمیت گذشته را ندارد. اصولاً ازدواج در جوامع عشایری بیانگر به رسمیت شناخت شخصیت اجتماعی و اقتصادی مرد ازدواج کننده بطور مستقل است که در گذشته با در اختیار گذاشتن تعدادی گوسفند بلافاصله پس از ازدواج (بسته به وضعیت مادی خانواده) توسط پدر صورت می‌پذیرفته، این رسم هم اکنون میان آن دسته از عشایری که فرزندان شان شغل پدر را دنبال می‌کنند پابرجاست ولی در مورد فرزندان و عشایر که به علت اتهام تحصیل و یا پرداختن به امور دیگر دارای حرفه ای مشخص هستند صدق نمی‌کند. درباره نقش اساسی ازدواج عقیده برخی بر این است که ازدواج دو خانواده یا دو طایفه را که هیچ گونه رابطه خویشی ندارند را به یکدیگر مربوط می‌سازد در این میان وجود زن بیش از مرد اهمیت دارد در واقع این زن است که پیوند میان دو خانواده یا دو دودمان و یا دو طایفه را برعهده دارد. به همین سبب گفته اند: «زن پیوند اجتماع است که طایفه‌ها را در جامعه واحدی گرد هم می‌آورد». در بین اکثر ایلات و عشایر کمتر دختر و پسری را می‌بینیم که از تشکیل خانواده سر باز زند.

در عشایر بویراحمد اگر دختر و پسر مجردی موفق به ازدواج نشوند بنوار<sup>۸</sup> یا قسر<sup>۹</sup> تلقی شده و از منزلت اجتماعی پائینی برخوردار می‌شوند. (طیبی، ۱۳۷۱؛ ۲۱۲) و در اکثر جامعه ایلی این عقیده

۸. Bon War

۹. Qaser



عمومیت دارد که پدر برای حفظ دودمان و روشن ماندن اجاق خانواده مکلف است برای جوانانی که به سن بلوغ می‌رسند همسر اختیار کند. در میان ایل قشقایی نیز بیشتر ازدواج‌ها درون فامیلی است. از عوامل ارجحیت ازدواج درون‌گروهی بر برون‌گروهی، تمایل به حفظ اسرار خانوادگی، حفظ ثروت و اموال و جلوگیری از خروج آن از فامیل است. در ایل قشقایی طبقات سطح بالا مانند خانواده ایل خان، خان یا کلاترها تنها با گروه‌های هم‌طبقه ازدواج می‌کنند. این اقوام در بسیاری موارد از ازدواج با هم‌طبقه‌های خود در سایر ایلات مانند بختیاری و یابویر احمد نیز خودداری می‌کنند.

دختر یکی از خان‌های قشقایی با وجود خواستگاران فراوانی که از قشر‌های پایین‌تر داشت ولی چون هم‌طبقه نبودند ازدواج صورت نگرفت و این دختر تا سنین بالا همچنان مجرد باقی ماند. محدودیت دیگری که در قشقایی‌ها وجود دارد ازدواج با طایفه‌های است که به نوازندگی، آهنگری و آرایشگری اشتغال دارند البته این محدودیتها و ممنوعیت‌ها در سال‌های اخیر بسیار رنگ‌باخته و این افراد جایگاه مناسب خود را بدست آورده‌اند. به نقل از ایوانف: "زنان بیوه در ایل قشقایی به ندرت ازدواج می‌کنند این قاعده در میان عشایر قشقایی چون روابط جنسی در ایل با غیر از زن مشروعه عملی زشت و ننگین و گناهی بزرگ به شمار می‌آید مردم ایل وظیفه شرعی خود می‌دانند که تن به ازدواج دهند. به همین دلیل فحشا در عشایر تقریباً به طور مطلق ناشناخته است و حتی گاه متجاوزین به مجازات مرگ می‌رسند که بدتر از قتل محسوب می‌شود" (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

در میان ایل قشقایی داماد قبل از ازدواج با عروس ارتباط زیادی ندارد. دیدن و پسندیدن دختران ایلی در گذشته منحصر به مجالس عروسی یا مهمانی‌ها و یا هنگام کوچ بوده است (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۴۳)

در این ایل در مراسم عروسی، سوارکارانی به نام "اخچی" را به اطراف می‌فرستند تا میهمانان را دعوت کنند. جشن عروسی از سه روز تا دو هفته طول می‌کشد. پس از صرف غذا، کاروانی شامل سیصد سوار برای آوردن عروس به راه می‌افتند عروس را بر اسب سفیدی نشانده و سه بار به دور چادر خانواده اش برای خوشبخت شدن می‌چرخانند البته عروس را تنها سوار اسب نمی‌کنند بلکه پسر بچه‌ای را پشت‌بیرش می‌نشانند، به این امید که فرزند اولش پسر باشد. چادر داماد را به همین مناسبت با فرش و جاجیم و نماد‌های روشنی و خوشبختی، کاسه‌ای آب و یک آینه، تزیین می‌کنند.

داشتن فرزندان شایسته و به ویژه پسر در ایلات و در جمع خانواده اهمیت زیادی دارد. پسر به عنوان یک نیروی انسانی، نقشی بسیار مهم در اقتصاد خانواده دارد و منبع درآمد به شمار می‌رود؛ حتی پسر بچه‌های کوچک نیز در این اقتصاد نقش دارند. در بین ایل قشقایی نیز داشتن فرزند و به خصوص اولاد ذکور برای آنها اهمیت زیادی دارد؛ زیرا فرزندان از لحاظ اقتصادی به منزله یک نیروی انسانی نقشی بزرگ دارند و از نظر سیاسی و نظامی خانواده‌های که چند پسر داشته باشند نیروی قدرتمندی در برابر مخالفان دارند. پسر در ایل قشقایی مقام و مرتبتهای بالاتر از دختر دارد. قشقایی‌ها معتقدند اولاد ذکور عامل بقای انسان‌اند و فرزند دختر متعلق به دیگران است. بر همین اساس دلیل اصلی ازدواج‌های دوم در ایل قشقایی بیشتر به جهت داشتن اولاد یا اولاد ذکور است (کیانی، ۱۳۷۶ : ۲۷۷). آنان تولد نوزاد پسر را مهم می‌شمارند. مردان این قوم تنها در صورتی که فاقد پسر باشند، برای ازدواج مجدد اقدام می‌نمایند. زیرا فرزند پسر را، سبب افزونی قدرت مالی و نیروی باارزش کاری، محسوب می‌کنند. همچنین قوم قشقایی به مردی که تنها دختر دارد یا فرزند

پسری ندارد، اجاق‌کُور می‌گویند. البته با توجه به حساسیت مسئله، زنان به انواع روش‌ها جهت تولد فرزند پسر متوسل می‌شوند. از آن جمله می‌توان به نذر بره و بزغاله، دعا گرفتن، رفتن به زیارتگاه‌ها، دخیل آویزان نمودن به انواع درختانی که از تقدس برخوردارند و ... اشاره کرد و با تولد فرزند پسر سعی می‌کنند، او را از چشم بد و شیاطینی که آل<sup>۱۰</sup> می‌نامند، دورکنند.

تازه گذشته نه چندان دور در جامعه‌های ایلی ایران رسم چند زنی معمول بود. این رسم بیشتر در میان ایلات و عشایر کرد و قشر خوانین، کلانتران و دامداران بزرگ و ثروتمند ایلات دیگر ایران رواج داشت. در ایلی باصری، گله‌داران ثروتمند غالباً چند زن می‌گرفتند، زیرا به آسانی می‌توانستند هزینه زندگی را برای همسران بیشتری تأمین کنند (بلوکباشی، ۱۳۶۷؛ ۹۸). اما داشتن چند زن برای مردان قشقایی امر ناپسندی است و به شدت نکوهش می‌شود. ابرلینگ گزارش می‌دهد: "ایل قشقایی بر خلاف خانواده‌های سایر ایلات ایران، به سنت تک همسری وفادار و به همین دلیل، اعضای این خانواده همواره متحد بودند." (ابرلینگ، ۱۳۸۳، ۱۳۱) و هولتوس می‌نویسد: "حتی ایلخانان هم با وجود قدرت و ثروت، از داشتن حرمسرا و حتی تعدد زوجات پرهیز می‌کردند" (هولتوس، ۱۳۶۶؛ ۷۶). البته مردان تنها در صورتی حق اختیار کردن همسر دوم را دارند که همسرشان نازا باشند و یا تمام فرزندان آن که به دنیا آورده دختر باشند. در میان قشقاییان، تنها فرزندان پسر توانایی ادامه نسل را دارند و به همین سبب دارای اهمیت

۱۰. یکی از موجودات افسانه‌ای در باور برخی از مردم "ال" نام دارد. آل یا زائو ترسان موجودی خیالی است. در گذشته این عقیده وجود داشت اگر زن تازه زایا یا نوزاد را تنها بگذارند ال آمده و به او صدمه می‌رساند. ال بصورت موجودی نامرئی به شکل زنی لاغر توصیف شده و برخی عقیده دارند ال از اشیاء فلزی نوک تیز می‌ترسد.

زیادی برای خانواده‌ها هستند. از سوی دیگر وجود پسران بیشتر به معنای برخورداری از نیروی کار بیشتر است. حتی اگر مردی در این شرایط ویژه تمایلی به تجدید فراش نداشته باشد با تحقیر و ترحمی مواجه می‌شود که در میان قشقاییان نسبت به مردان متاهل بدون پسر وجود دارد. او هر قدر هم که مقاومت کند در نهایت به این کار تن می‌دهد. رسم بر این است که همسر نخست، زن دیگری برای شوهر خود برگزیند.

به‌طور کلی طلاق در بین عشایر عملی مذموم است و عشایر کمتر بدین کار اقدام می‌کنند. چرا که در حقیقت جدا شدن زن از مرد و ازدواج با مرد دیگر، در بین عشایر توهین و سرشکستگی برای مرد است. طبق بررسی‌های به عمل آمده، علل پایین بودن میزان طلاق در بین عشایر به چندین علت عمده وابسته است: از دید مرد ایلاتی، به دلیل ضرورت وجود زندگی خانوادگی جهت ادامه حیات اقتصادی، اجتماعی، طلاق و در پی آن ازدواج دوباره، همراه با هزینه گزافی خواهد بود که با توجه به وضعیت اقتصادی عشایر به این آسانی امکان‌پذیر نیست. از طرف دیگر به دلیل ازدواج‌های درون همسری، روابط سببی ایجاد شده با خویشاوندان، بخصوص خویشاوندان نزدیک، مانع طلاق می‌گردد، چرا که در غیر این صورت اختلافات و کشمکش‌های فامیلی را به دنبال خواهد داشت. از دید زن، به دلیل فشارهای اجتماعی ناشی از مذموم بودن طلاق، عدم امکان بازگشت او در بسیاری موارد به خانه پدری، به دلیل ضعف مالی خانواده‌اش و عدم استقلال مادی که عامل بسیار مهمی در استقلال تصمیم‌گیری است و شاید بیش از همه در روحیه سازگاری با شرایط و قبول موقعیت اجتماعی و نیز عدم آگاهی به حقوق خود به عنوان یک انسان مستقل، او را تابع شوهر نموده و مجبور به سازش با شرایط می‌نماید. لذا

زمینه‌های طلاق که در زندگی شهری زن و مرد را از یکدیگر جدا می‌سازد، در زندگی عشایری زمینه وجودی خود را از دست می‌دهد. با این همه در موارد خاص طلاق زن در جوامع ایلاتی گاه اجتناب‌ناپذیر می‌گردد بنا به دلایل زیر: رابطه نامشروع زن با مرد دیگر؛ بد رفتاری و بدخلقی زن؛ تمکین نکردن و فرمان نبردن از شوهر؛ سترون و نازا بودن زن؛ فرزند پسر نیاوردن و علیل و بیمار بودن زن. بختیاری‌ها طلاق را به منزله عملی نادرست و نکوهیده می‌پندارند و از این رو است که در این جامعه پدیده طلاق بسیار به ندرت دیده می‌شود. به عقیده عشایر بامدی‌ها جدایی از همسر برای مرد ننگ بزرگی محسوب می‌شود. (کیاوند، ۱۳۷۴: ۱۲۴). در بین باصری‌ها و لرهای لرستان طلاق اتفاق می‌افتد اما بسیار کم. در یک بررسی از ۱۴۷ خانواده از تیره لبوموسی (ایل باصری) سه مورد طلاق گزارش شده و همچنین در بررسی ۱۸۲ خانوار از لرهای لرستان چهارمورد طلاق گزارش شده است. به طوری که آگاهان لر و باصری اظهار داشته‌اند، در گذشته طلاق به ندرت اتفاق می‌افتاد و ظاهراً در سالهای اخیر تعداد طلاق زیادتر شده است. مسئله طلاق در بین بلوچ‌ها آنچنان ناپسند است که پدران و مادران برای آن که فرزندان‌شان مرتکب کار خلافی نشوند آنها را قسم زن طلاق می‌دهند. این عشایر به اجرای قسم شدیداً پای‌بندند. در بین قشقایی‌ها نیز طلاق به ندرت اتفاق می‌افتد هر چند که این اقوام طلاق را ممنوع نمی‌دانند مهم‌ترین عوامل محدود بودن طلاق در این ایل، مخارج سنگین عروسی و شیربهای گرانبه‌ای است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۸؛ ۱۷۵). ایوانف گزارش می‌دهد "تا گذشته ای نچندان دور اگر در بین قشقایی‌ها مردی زنش را طلاق می‌داد، اقوام زن می‌توانستند مرد را بدون محاکمه بکشند، چرا که طلاق اهانت به خانواده زن مطلقه است (ایوانف، ۱۳۸۵؛ ۲۲۴). در میان ایل

نشینان قشقائی طلاق جایگاهی ندارد. و کمتر دیده شده است که کار مردان و زنان به طلاق کشیده شود. لفظ طلاق و اندیشیدن در باره آن یک گناه محسوب می‌شود و تنها مرگ است که بین زوجین جدائی ایجاد می‌کند.

### جمع بندی

همانگونه که می‌دانیم فرهنگ مادی و معنوی در واقع "هویت فرهنگی" هر جامعه را تشکیل می‌دهند و از دست دادن و یا عاریه گرفتن آن ضایعه‌ای است که قومیت و ملیت یک گروه اجتماعی را تهدید می‌کند. فرهنگ مادی را می‌توان تا حدودی عاریه گرفت، توسعه داد و غنی ساخت در حالی که عاریه گرفتن "فرهنگ معنوی" نه به آسانی امکان‌پذیر است و نه ضروری. در هر حال بین جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ، کنش‌های متقابل وجود دارد و تغییر یکی موجب تغییر دیگری خواهد شد. در این مورد بعضی از مردم شناسان و جامعه‌شناسان معتقد هستند که دگرگونی در تکنیک اشیاء و ابزار مادی باعث تغییر در فرهنگ معنوی و طرز افکار و عقاید مردم می‌گردد. به عبارت دیگر آنها معتقد هستند پس از تغییر فرهنگ مادی و تکنولوژی باید در انتظار تغییر در فرهنگ معنوی مردم بود.

همانگونه که در قسمت چارچوب نظری این پژوهش گفته شد در این تحقیق از نظریه ساختی - کارکردی استفاده شده است که در این مکتب کارکردگرایان ساختی برای اجزای نظام نقش مثبتی قایل‌اند. آنان اجزای نظام و نیز کل نظام را در یک حالت توازن در نظر می‌گیرند چنانکه دگرگونی در یک جزء به دگرگونی در جزء دیگر می‌انجامد. تغییرات در یک جزء ممکن است چنان با دگرگونی در اجزای دیگر تعادل یابد که گویی هیچگونه تغییری در کل نظام پدید نیامده است. اما اگر این تعادل برقرار نشود سراسر نظام دگرگون می‌شود. این

موضوع در مورد ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظام خانواده عشایر قشقایی نیز صادق است و ما شاهد تغییرات در ساختارهای گوناگون این ایل هستیم. در تحقیق به عمل آمده در میان عشایر قشقایی مشخص شد جنبه‌های فرهنگ مادی این اقوام دچار تغییرات گردیده و اثرات این تغییرات در فرهنگ معنوی آنان نیز مشهود است. در مصاحبه‌های به عمل آمده مشخص شد برخی از جوانان امروزی ایل قشقایی از آداب و رسوم گذشته خود اطلاع کمی دارند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که مسیر تغییرات به سمت افزایش تقاضا برای خرید کالاهای مصرفی بوده است. والدین گرچه خود زندگی سنتی را پیش گرفته‌اند، اما به نوعی فرزندان را در دیدگاه‌های میان والدین و فرزندان اختلاف نظرهای را میان آنان به وجود آورده است که از آن به عنوان شکاف نسلی هم می‌توان یاد کرد. بر این اساس ثبت و ضبط پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی و مطالعه راجع به ساختار خانواده عشایر و از آن جمله ایل قشقایی به لحاظ تغییرات به عمل آمده ضرورت و اهمیت خود را دارا می‌باشد.

### منابع:

- ۱) امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۸) کوچ‌نشینی در ایران، تهران: انتشارات آگه، چاپ هفتم.
- ۲) افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۶) مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها چادرنشینان و طوایف عشایری ایران، تهران: نشر مؤلف، چاپ اول.
- ۳) ابرلینگ، پی‌یر (۱۳۸۳) کوچ‌نشینان قشقایی فارس، ترجمه فرهاد طیبی پور، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ۴) بخشنده نصرت، عباس (۱۳۸۰) برنامه‌ریزی و شیوه‌های ساماندهی کوچ‌چندگی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، چاپ اول.

- ۵) بارث، فردریک (۱۳۴۴) چادرنشینی در کوهستان‌ها و بر روی فلات‌های آسیای جنوب غربی (مترجم: پرویز ورجاوند) تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ۶) بلوکباشی، علی (۱۳۶۷) "مدخل ایران". دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۰.
- ۷) دومورینی، ژ (۱۳۷۵) عشایر فارس (مترجم: جلال‌الدین رفیع‌فر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸) روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۱) گرد شهر با چراغ، تهران: انتشارات عطار.
- ۹) رستم‌پور، الویا (۱۳۸۷) زنان ایل بهمئی، ترجمه: جلال‌الدین رفیع‌فر، تهران: انتشارات خجسته.
- ۱۰) زنده‌دل، حسن (۱۳۸۴) استان کرمانشاه، تهران: انتشارات ایران گردان.
- ۱۱) زنده‌دل، حسن (۱۳۷۹) جلوه‌های جهانگردی عشایر، تهران: نشر ایرانگردان.
- ۱۲) شربتیان، یعقوب (۱۳۹۳) مردم‌شناسی ایلات و عشایر ایران، تهران: انتشارات ندای آریانا.
- ۱۳) صفی‌نژاد، جواد (۱۳۸۸) مبانی جغرافیای انسانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۴) صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۵) عشایر مرکزی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۵) طیبی، حشمت‌الله (۱۳۸۹) مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶) کیانی، منوچهر (۱۳۷۶) سیه چادرها، شیراز: انتشارات کیان نشر.
- ۱۷) کیاوند، عزیز (۱۳۷۴) در برزخ گذار، بررسی طایفه بامدی از ایل بختیاری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۸) گرگین‌پور، فرود (۱۳۷۴) موسیقی قشقای، تهران: انجمن موسیقی ایران.
- ۱۹) مشیری، سیدرحیم (۱۳۸۷) جغرافیای کوچ‌نشینی، تهران: انتشارات پیام نور.
- ۲۰) نیک‌خلق، علی‌اکبر و عسگری نوری (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی عشایر ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- ۲۱) (سازمان ایلات و عشایری-ashayer.ir)



۲۲. Gordon, Allport (۲۰۱۰). Toward a General Theory of Action. Kluckhohn, Clyde., Murray,

فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی و پژوهش‌های اجتماعی (شماره ۳، بهار ۱۴۰۱، سال اول)

## **Family structure and kinship system of tribes and nomads with emphasis on Qashqai tribe of Persia(Anthropological attitude)**

### **Abstract:**

Iran is the land of tribes and nomads. The tribes and nomads living in Iran have a unique social, economic and cultural structure with their nomadic methods and pastoral economy, but due to the changes that have taken place in the lives of the people of this border in recent years, especially in the field of family structure. The environment has evolved. Tribes and nomads are also evolving at a rate less than they have historically encountered. Accordingly, the purpose of this study is the anthropological attitude to the family structure and kinship system of tribes and nomads with emphasis on the Qashqai tribe of Persia and the changes that have occurred in it. This research is fundamental in terms of application and qualitative in nature and is profound in terms of depth. The approach of this research is descriptive-analytical. The research findings indicate that the Qashqai tribe is in the transition phase from the traditional lifestyle to the new lifestyle, and with the technological achievements of the modern world, they experience a new life. In general, the current generation of the Qashqai tribe has chosen a different lifestyle than the first and second generations; So that their socio-cultural structure, especially in social and cultural relations, clothing and makeup, leisure pattern and also the structure and system of their family in the third generation is different from the other two generations.

**Keywords:** Anthropology, tribes and clans, family system and kinship, Qashqai nomads, Fars province

---